

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/15

موضوع: «اخلاص»، راهبردی ترین طریق سیر و سلوک عرفانی!

درس اخلاق

فهرست مطالب این برنامه:

هدیه ای راهبردی از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حاجات خود را اینگونه از خداوند بخواهید!

چه کنیم تا اعمالمان خالص برای خداوند باشد!؟

تعبیر تند حضرت امام صادق (سلام الله علیه) درباره اخلاص در عمل!

تعبیر بسیار عجیب امام حسن عسکری (سلام الله علیه) درباره اخلاص!

«مشارطه» رکن اول سیر و سلوک معنوی!

توصیه ای مهم و کاربردی از امام خمینی (ره)

من هر کاری می کنم در دلم این عیادت مریض، خالص برای خدا نیست!

چه کنیم تا خداوند ما را دوست داشته باشد!؟

از کجا بدانیم امام زمان (سلام الله علیه) چقدر ما را دوست دارد!؟

پرسش و پاسخ

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. خدمت همه دوستان عزیز و اساتید بزرگوار و فرزندان گرامی‌ام خالصانه‌ترین سلامم را همراه تبریک میلاد حضرت فاطمه زهرا و همچنین تبریک ولادت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تبریک فرارسیدن دهه فجر تقدیم می‌کنم.

خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقية الله الأعظم قرار بدهد و انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل کند و ما را از یاران خاص خودش قرار بدهد، ان شاء الله.

هدیه ای راهبردی از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

از آنجایی که امروز، روز میلاد حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و همچنین روز میلاد امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) هست، سخنم را با فرمایشی از حضرت فاطمه زهرا آغاز می‌کنم.

حضرت فاطمه زهرا یکی از زیباترین و طلایی‌ترین جملات را در مسائل اخلاقی دارند و می‌فرمایند:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»

هرکسی کارهای خود را خالصانه برای پروردگار انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات را برای او مقدر و نازل می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67،

ص 249، ح 25

جمله‌ای بسیار سنگین و عبارتی بسیار جالب است. طبق این روایت اگر ما بتوانیم اعمالمان را خالص برای خداوند انجام دهیم و در اعمالمان نستجیر بالله عجب و ریا و خودبینی و امثال ذلک نباشد، قطعاً خداوند بهترین برکاتش را بر ما نازل می‌کند.

حال اینکه ما چکار کنیم تا اعمالمان را خالص برای خداوند انجام بدهیم، خیلی مشکل است. در روایت داریم اخلاص، تفضل و نعمتی است که خداوند عالم فقط به بندگانی که آنها را دوست دارد، عنایت می‌کند. خالص کردن عمل چیزی نیست که به این سادگی بتوان به دست آورد. ما باید تمرین و دقت کنیم تا اعمالمان خالص برای خدا باشد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به «ابوذر» می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ لَيْكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ حَتَّى فِي الْأَكْلِ وَالنُّوْمِ»

ای ابوذر! همه کارهایت حتی خوردن و خوابیدن خالص برای خداوند باشد.

مجموعه وژام، نویسنده: ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ج 2، ص 58، باب الجزء الثانی

اگر چنین بود، عمل برای خداوند است. ولی اگر چنین نبود، عمل آلوده به اغراض دنیوی است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ قَلْبٍ مُخْلِصٍ اسْتَجِيبَ لَهُ بَعْدَ وَفَائِهِ بِعَهْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

هرکسی خدا را با نیت پاک و قلب مخلص بخواند، خداوند تبارک و تعالی دعای او را به اجابت می‌رساند.

«وَ إِذَا دَعَا اللَّهَ بِغَيْرِ نِيَّةٍ وَ إِخْلَاصٍ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ»

اگر دعاها خالص برای خداوند نباشد، قطعاً به اجابت نمی‌رسد.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 5، ص 189، ح 5653

حاجات خود را اینگونه از خداوند بخواهید!

ما باید برای حوائجی که از خداوند می‌خواهیم تمرین کنیم. دوستان این نکته بسیار ظریف است. باید ببینیم حوائجی که از خداوند می‌خواهیم را برای راحتی خودمان و رفاه شخصی خودمان و نفس خودمان می‌خواهیم یا خیر؟!

ما دعا می‌کنیم که خدایا به من روزی فراوان بده تا هرچه خواستم بخرم و هرکجا خواستم بروم و هر ماشینی خواستم سوار شوم و در بهترین خانه بنشینم؟! همه این حاجات هوای نفس است.

نیت ما باید خالص برای خدا باشد و بگوییم: خدایا به من روزی بده تا ماشین تهیه کنم و زن و بچهم را در رفاه قرار بدهم، زیرا آنها امانت‌های شما دست من هستند.

خدایا به من روزی بده تا ماشین تهیه کنم و به مسافرت‌ها بروم تا در این مسافرت‌ها عبرت‌ها بگیرم و با او به تبلیغ و سر درس بروم و در جلسات مذهبی شرکت کنم.

قطعاً در این صورت نیت ما خالص برای خداوند است. ما باید قدری تمرین کنیم تا این کارها را خالص برای خدا کنیم. ما قبل از هر نیت و هر کاری باید خدا را در نظر بگیریم.

به عنوان مثال وقتی ما نماز می‌خوانیم عبارت «قربة إلى الله» را می‌گوییم، وقتی غذا می‌خوریم هم قربة إلى الله بگوییم.

گاهی اوقات ما غذا می‌خوریم با این نیت که سیر شویم و از این غذای لذیذ لذت ببریم. در این صورت این هوای نفس است. در مقابل اگر با این نیت غذا می‌خوریم که نیرو بگیریم و تکالیفمان را انجام بدهیم، اخلاص برای خداوند است.

همچنین اگر زمانی که می‌خواهیم با این قصد بخوابیم که از خواب لذت می‌بریم و خستگی‌ام برطرف می‌شود، هوای نفس است. گاهی اوقات هم با این نیت بخوابیم که خستگی خود را برطرف کنیم، برخیزیم و تکالیف و واجباتمان را انجام بدهیم. در این صورت همین خوابیدن من‌خالص برای خداوند است.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

« حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ »

خوشا به خواب زیرکان.

نهج البلاغه (للسبحة صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، تاریخ وفات مؤلف: 406 ق،

محقق / مصحح: فیض الإسلام، ناشر: هجرت، قم، 1414 ق، نوبت چاپ: اول؛ ص 495، ح 145

شخصی مشغول نماز و عبادت است، به خاطر اینکه به نماز خواندن عادت کرده است به طوری که اگر نماز نخواند احساس می‌کند چیزی را گم کرده است.

شاید به عنوان اینکه خداوند واجبی را بر گردن ما گذاشته و ما تلاش داریم این واجب را از گردنمان باز کنیم. آیا این نماز چقدر نزد خداوند عالم ارزش دارد؟!

گاهی اوقات شخصی می‌خواهد به طوری که خوابیدن او برای خداست. در این صورت ارزش این خوابیدن از آن عبادت بسیار بالاتر است.

به عنوان مثال من با این نیت درس می‌خوانم که درس بخوانم تا با سواد شوم و مورد توجه مردم قرار بگیرم یا روی منبر صحبت کنم و مردم مرا تحسین کنند یا در میان مردم عزت پیدا کنم. چنین نیت کردن مصداق هوای نفس است.

در مقابل اگر درس می‌خوانم تا با احکام و شریعت الهی آشنا شوم به طوری که هم خودم به او عمل کنم و هم مردم را با آن شریعت آشنا کنم و آنها هم به آن عمل کنند. چنین درس خواندن، خالص برای خداوند عالم است.

همچنین در هر کاری که از ما سر می‌زند، اگر همین روش را داشته باشیم قطعاً مشمول سخن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خواهیم شد که می‌فرماید:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ»

در بعضی منابع «افضل مصلحة» وارد شده که جمله بسیار زیباتری است. دوستان اگر خواستند این روایت را ببینند، در کتاب «عدة الداعی» اثر «ابن فهد حلی» صفحه 218 و «تفسیر امام حسن عسکری» صفحه 327 آورده است.

مصادر دیگری هم این عبارت را از حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) نقل کردند. بنابراین ما باید خیلی تلاش کنیم این فرمایش حضرت صدیقه طاهره را در خودمان ایجاد و تمرین کنیم.

چه کنیم تا اعمالمان خالص برای خداوند باشد!؟

همانطور که یک فوتبالیست وقتی می‌خواهد فوتبالیست شود، تمرین می‌کند. یک فوتبالیست ده‌ها یا صدها ساعت تمرین می‌کند تا با فوت و فن فوتبال مسلط می‌شود و عاقبت هم فوتبالیست می‌شود.

کسی که می‌خواهد خوشنویس شود، مکرراً تمرین می‌کند و بعد از چندین سال یک خطاط خوب می‌شود. کار کردن خالص برای خداوند هم نیاز به تمرین دارد.

دوستان عزیز چنین نیست که اگر من امروز تصمیم بگیرم تمام اعمالم را برای خدا انجام بدهم، از فردا همه اعمالم برای خداوند باشد!

اولاً باید از خداوند متعال بخواهیم که اخلاص را یکی از بهترین حوائج ما قرار بدهد و از خداوند متعال بخواهیم که این را به ما کرم کند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلٌ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرُهُ»

خداوند بالاتر از این نعمت به بنده‌اش نداده است که در قلب او بهتر از او نباشد.

عدة الداعي و نجاح الساعي؛ نویسنده: ابن فهد حلی، احمد بن محمد، تاریخ وفات مؤلف: 841 ق، محقق / مصحح: موحدی قمی، احمد، ناشر: دار الکتب الإسلامی، سال چاپ: 1407 ق، نوبت چاپ: اول؛ ص 233

این روایت بدان معناست که تمام هم و غم و حرکات و سکناش برای خداوند باشد. در روایت دیگر می‌خوانیم که امام صادق می‌فرماید:

«وَأَلَّا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ»

بنده باید در تمام حرکات و سکونش نیت کند که خالص برای خدا باشد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67، ص 210، ح 32

به عنوان مثال شخص زمانی که نشسته است، نیت کند که نشستن من برای خدا باشد. زمانی که می‌خواهد برخیزد، نیت کند که برای خدا باشد.

همچنین زمانی که می‌خواهد مطالعه کند، جواب تلفن بدهد، تلفن بزند، با زن و بچه‌اش حرف بزند یا غذا بخورد برای خداوند باشد. باید دقت کنیم که تمام این مسائل برای خداوند عالم باشد.

تعبیر تند حضرت امام صادق (سلام الله علیه) درباره اخلاص در عمل!

امام صادق (علیه السلام) تعبیری دارد که تعبیر بسیار تندی است. حضرت در روایتی می‌فرماید:

«وَلَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ»

بنده باید در تمام حرکات و سکونش نیت کند که خالص برای خدا باشد.

«لَأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا»

اگر تمام حرکات و سکون ما برای خدا نباشد، غافل می‌شویم.

«وَالْغَافِلُونَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»

خداوند عالم هم غافلین را در قرآن کریم چنین توصیف کرده که آنها همانند حیوانات هستند، بلکه گمراه‌تر از حیوانات هستند.

«وَقَالَ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 1، ص 99، ح 86

ببینید این تعبیر، تعبیر بسیار سنگینی است. حضرت جمله حضرت صدیقه طاهره را خوب روشن می‌کند. ایشان در ادامه روایت می‌فرماید:

«الْإِخْلَاصُ يَجْمَعُ فَوَاضِلَ الْأَعْمَالِ»

اگر کسی اخلاص را به دست آورد، تمام فضائل را جمع کرده است.

«وَهُوَ مَعْنَى مِفْتَاحِهِ الْقَبُولُ وَ تَوْفِيقُهُ الرِّضَا فَمَنْ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَ يَرْضَى عَنْهُ فَهُوَ الْمُخْلِصُ وَ إِنْ قَلَّ عَمَلُهُ
«

اخلاص کلید قبول اعمال ماست و امضای پایان آن هم رضایت خداست. هرکسی خدا از او قبول کرد و راضی شد مخلص است، اگرچه اعمالش هم کم باشد.

«وَ مَنْ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْهُ فَلَيْسَ بِمُخْلِصٍ وَ إِنْ كَثُرَ عَمَلُهُ»

اگر خداوند عملی را قبول نکرد به خاطر آنکه خالص برای او نبوده این شخص مخلص نیست، اگرچه زیاد هم آن کار را انجام دهد.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 1، ص 99، ح 86

طبق این روایت حتی اگر شخص زیاد کار کند، زیاد عبادت کند، زیاد روزه بگیرد، زیاد درس بخواند یا زیاد بحث کند اگر خالص برای خدا نباشد هیچ ارزشی برای این عمل نزد خداوند عالم نیست. حضرت در آخر روایت می‌فرماید:

«هَلَكَ الْعَامِلُونَ إِلَّا الْعَابِدُونَ»

نابود می‌شوند عمل‌کنندگان مگر آنان که اشتغال به بندگی و عبادت پیدا می‌کنند.

افرادی که مشغول عمل هستند، شبانه روز تلاش می‌کنند. همه آنها نابود می‌شوند مگر کسانی که خدا را عبادت می‌کنند.

«وَهَلِكِ الْعَابِدُونَ إِلَّا الْعَالِمُونَ»

نابود می‌شوند عبادت کنندگان مگر آنان که دانا و آگاه هستند.

از میان افرادی که خداوند را عبادت می‌کنند، تنها عبادت افرادی ارزش دارد که عالمانه عبادت کنند نه جاهلانه.

«وَهَلِكِ الْعَالِمُونَ إِلَّا الصَّادِقُونَ»

نابود می‌شوند دانایان مگر آنان که روی صدق و حقیقت باشند.

از میان عالمان کسانی ارزش دارند که در علم و عملشان صداقت دارند و صادق هستند.

«وَهَلِكِ الصَّادِقُونَ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ»

نابود می‌شوند صادقین و درستکاران مگر کسانی که از روی نیت خالص عمل کنند.

«وَهَلِكِ الْمُخْلِصُونَ إِلَّا الْمُتَّقُونَ»

نابود می‌شوند مخلصین مگر کسانی که اهل تقوا هستند.

«وَهَلِكِ الْمُتَّقُونَ إِلَّا الْمُؤَقِنُونَ»

نابود می‌شوند متقین مگر کسانی که به مرحله یقین رسیدند.

«وَإِنَّ الْمُؤَقِنِينَ لَعَلَىٰ خَطَرٍ عَظِيمٍ»

صاحبان یقین نیز پیوسته باید مراقب خود و متوجه پیش آمدهای خطرناک گردند، زیرا همیشه در معرض خطر هستند.

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 1، ص 99، ح 86

این نمونه‌ای از عبارات ائمه اطهار (علیهم السلام) است. الآن تعبیری از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به یادم افتاد که حضرت می‌فرماید:

«فَطُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ وَ حُبَّهُ وَ بُغْضَهُ»

خوشا به حال بنده‌ای که عمل و علم و حب و بغضش برای خدا باشد.

امیرالمؤمنین در این روایت سنگ تمام گذاشته است. معنای این روایت چنین است که شخص اگر کسی را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد. اگر کسی را دشمن می‌دارد و بغض و عداوت او را در دل دارد، خالص برای خدا باشد.

«وَ أَخَذَهُ وَ تَرَكَهُ»

اگر می‌خواهد چیزی را بگیرد یا چیزی را ترک کند، خالص برای خدا باشد.

«وَ كَلَامَهُ وَ صَمْتَهُ»

اگر می‌خواهد حرف بزند یا سکوت اختیار کند، خالص برای خدا باشد.

«وَ فِعْلَهُ وَ قَوْلَهُ»

هم کارش برای خدا باشد و هم قولش برای خدا باشد.

تحف العقول، نویسنده: ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص 91،

باب وصیته لابنه الحسین ع

ببینید اخلاص چقدر نزد اهل بیت (علیهم السلام) ارزش دارد که این همه مسائل مطرح می‌شود. این مصداق

بارز جمله حضرت صدیقه طاهره است که فرمودند:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67،

ص 249، ح 25

تعبیر بسیار عجیب امام حسن عسکری (سلام الله علیه) درباره اخلاص!

امام حسن عسکری (علیه السلام) جمله‌ای دارد که بسیار جمله زیبایی است. حضرت می‌فرماید:

«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً لَقَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصاً [خَالِصاً] لَرَأَيْتُ أَنِّي مُقَصِّرٌ فِي حَقِّهِ»

اگر همه دنیا را تبدیل به یک لقمه غذا کنم و به انسانی که خدا را از روی خلوص عبادت می‌کند

بخورانم، درباره او کوتاهی کرده و خودم را مقصر می‌دانم.

ببینید اخلاص چکار می‌کند که امام معصوم این تعبیر را به کار می‌برد که اگر تمام دنیا را تبدیل به یک لقمه

کنم و در دهان یک مخلص قرار بدهم، باز نتوانستم حق او را ادا کنم.

«وَلَوْ مَنَعْتُ الْكَافِرَ مِنْهَا حَتَّى يَمُوتَ جُوعاً وَ عَطْشاً ثُمَّ أَدْفَنُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لَرَأَيْتُ أَنِّي قَدْ أَشْرَفْتُ»

و چنانچه فرد کافری را گرسنگی دهم تا به آن اندازه که جانش از شدت گرسنگی و تشنگی به لب آید
آنگاه مقدار کمی آب به او دهم، خود را نسبت به او اسراف کار می‌پندارم.

عدة الداعی و نجاح الساعی، نویسنده: ابن فهد حلی، احمد بن محمد، محقق / مصحح: موحدی قمی،

احمد، ص 234، باب علاج الرياء

بنابراین عزیزان ما باید خیلی روی این مسائل دقت کنیم و اعمالمان را خالص برای خداوند انجام دهیم.

«مشارطه» رکن اول سیر و سلوک معنوی!

ما قبلاً هم ارکان اربعه سیر و سلوک که بزرگان دارند را خدمت عزیزان بیان کردیم. اولین مورد در ابتدای صبح،
«مشارطه» است. انسان باید ببیند امروز چکار می‌خواهد کند.

الآن که از خواب بلند شدم و در رختخواب هستم نیت کنم که قربه إلى الله تجدید وضو کنم، قربه إلى الله نماز
بخوانم، قربه إلى الله تعقیبات بخوانم، قربه إلى الله مطالعه کنم، قربه إلى الله درس بخوانم، قربه إلى الله نهار
بخورم و استراحت کنم.

اگر ما ابتدای صبح نیت کردیم، تا آخر شب نیت کنیم که تمام این کارها را قربه إلى الله انجام می‌دهم.

همچنین اگر کسی می‌خواهد کپسولی کار کند، نیت کند که از الآن تا آخر عمرم هر بار که آب خوردم قربه إلى
الله باشد یا هرچه غذا می‌خورم قربه إلى الله باشد. این همان تعبیر حضرت ابراهیم است که می‌فرماید:

(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

بگو: نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

سوره انعام (6): آیه 162

البته به شرط اینکه انسان در هنگام عمل غفلت از خدا نداشته باشد. مسئله حضور که انسان خود را همواره در محضر خدا ببیند، توفیق خیلی بزرگی است.

ما در شرح حال بعضی از فقها و بزرگان می‌خوانیم که دائم الحضور بودند، به این معنا که خود را همواره در محضر خداوند عالم می‌دیدند.

توصیه ای مهم و کاربردی از امام خمینی (ره)

جمله‌ای از امام خمینی در این زمینه عرض کنم که جمله بسیار زیبایی است. ایشان می‌فرماید: تصور کنید وقتی یک کودک چهار پنج ساله کنارمان باشد، چقدر حواسمان هست که کسی کنارمان نشسته و در محضر او هستیم.

ما کاری که خلاف شئون انسانی باشد را نزد یک کودک خردسال انجام نمی‌دهیم. اگر ایمان ما به خدا و حضور ما در محضر حق هم به اندازه یک کودک سه چهار ساله باشد، کفایت می‌کند.

وقتی که شما در کنار دوست خود هستید، چقدر خود را در محضر او می‌بینید و او را شاهد حال خودت می‌بینید. اگر ما همین حال را نسبت به خداوند تبارک و تعالی داشته باشیم، قطعاً تمام این مسائل برای ما حل خواهد شد.

من هر کاری می‌کنم در دلم این عیادت مریض، خالص برای خدا نیست!

عرض کردم این مسائل احتیاج به تمرین دارد و ما باید مرتب تمرین کنیم. بنده به یاد دارم روزی با یکی از دوستانمان که سنش از ما بالاتر بود، برای عیادت یکی از علما می‌رفتیم. او وسط راه گفت: من نمی‌آیم.

وقتی دلیل نیامدن او را پرسیدم، گفتم: من هرکاری کردم که در دلم این عیادت خالص برای خدا باشد، نتوانستم خودم را قانع کنم. آیا من برای این به عیادت این شخص می‌روم که او از من راضی شود و در جای دیگر هم بگویم که من به عیادت فلانی رفتم؟!

ایشان از وسط راه برگشت و گفت: من هرچه با خودم کلنجار رفتم که به عیادت بیایم، نتوانستم.

ما حدود سال‌های 1353 با ایشان که یکی از علمای بزرگ آذربایجان شرقی بود ارتباط تنگاتنگی داشتیم، اما بعد از انقلاب دیگر این بزرگان را ندیدیم.

بعضی افراد اینقدر مقید هستند که وقتی می‌خواهند به عیادت یک بزرگی بروند، می‌گویند: من هرکاری می‌کنم، می‌بینم که نمی‌توانم و عاجز هستم.

در مقابل اگر ما باشیم، یک کلاه شرعی با خودمان درست می‌کنیم و با این کلاه شرعی اخلاصمان را سرپوش می‌گذاریم.

بندگانی که عادت دارند کارشان خالص برای خداوند عالم باشد، قطعاً با زحمت به این مرحله می‌رسند. چنین نیست که به این سادگی به مرتبه اخلاص رسیده باشند.

چه کنیم تا خداوند ما را دوست داشته باشد؟!

«مرحوم مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 67 صفحه 249 می‌نویسد:

«عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ: الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحْبَبْتُ مِنْ عِبَادِي»

خداوند متعال می‌فرماید: اخلاص سرّی از اسرار من است. او را ودیعه می‌گذارم در قلب بنده‌ای که او را دوست دارم.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67،

ص 249، ح 24

حال به دست آوردن محبت خداوند هم خود دنیایی دارد. باید ببینیم که چکار کنیم خداوند عالم ما را دوست داشته باشد. ما در جلسات گذشته هم عرض کردیم که برای به دست آوردن رضای خداوند و حب الهی، راهی بهتر و میانبرتر از ترک گناه نیست.

همچنین ما باید از ترک گناه هم فراتر برویم و مکروهاتی هم انجام ندهیم. ما باید از آن هم بالاتر برویم و تلاش کنیم اعمال مباح هم انجام ندهیم و مباح خود را هم خالص برای خداوند کنیم. اگر این چنین کردیم، قطعاً خداوند عالم ما را دوست دارد.

قرآن کریم در این زمینه عبارتهای مختلفی دارد و می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.

سوره بقره (2): آیه 195

:9

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ)

زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

سوره توبه (9): آیه 4

این عبارتها در قرآن کریم زیاد آمده است. به عنوان مثال خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید:

(وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ)

و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 146

:9

(إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)

زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 159

:9

(وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ)

و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

سوره توبه (9): آیه 108

بنده به دوستان توصیه می‌کنم نرم افزار «مکتبه اهل بیت» را فرا بگیرند. ما کلمه (اللَّهُ يَحِبُّ) را در قرآن کریم جستجو می‌کنیم تا ببینیم این کلمه چند مرتبه در قرآن کریم آمده است.

قرآن کریم تنها یازده مرتبه عبارت (إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) را آورده است. در کنار آن عباراتی نظیر:

(إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ)

خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

سوره بقره (2): آیه 222

آمده است. همچنین در آیه دیگری آمده است:

(فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ)

زیرا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 76

:9

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)

زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 159

:9

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

سوره آل عمران (5): آیه 13

:9

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ)

خدا عادلان را دوست دارد.

سوره مائده (5): آیه 42

:9

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند همچون بنائی آهنین.

سوره صف (61): آیه 4

همچنین در چند جای قرآن کریم عبارات:

(وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 148

:9

(وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ)

و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 146

:9

(وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

سوره آل عمران (3): آیه 134

همه این آیات نشانگر این است که راه به دست آوردن محبت خداوند متعال چیست. ما باید آن روایت را در نظر بگیریم که امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْذَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحْبَبْتُ مِنْ عِبَادِي»

درست است قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ أَنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)

و فضل (و رحمت) تماماً به دست او است، به هر کس بخواهد می‌بخشد.

سوره حدید (57): آیه 29

اما دوستان خداوند عالم هم بدون بهانه عنایتی نمی‌کند. سنت الهی بر این است که بهانه‌ای باشد تا عنایتی به ما کند. خداوند این بهانه‌ها و توفیقات را خود در اختیار ما قرار می‌دهد.

(كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ)

همه اینها از ناحیه خدا است.

سوره نساء (4): آیه 78

اما از طرف دیگر هم باید دقت کنیم که خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند قطعاً هدایتشان خواهیم کرد.

سوره عنكبوت (29): آیه 69

خداوند متعال می‌فرماید: کسانی که واقعاً در مسیر رسیدن به ما تلاش می‌کنند، ما این عنایات را در حق آن‌ها می‌کنیم.

از کجا بدانیم امام زمان (سلام الله علیه) چقدر ما را دوست دارد!؟

بنده‌ای هست که هیچگونه دغدغه‌ای ندارد و خداوند هم نسبت به او بی خیال است. شخصی نسبت به حضرت ولی عصر بی خیال است، در مقابل حضرت بقية الله الأعظم هم نسبت به او بی خیال است.

شخصی نزد امام صادق می‌رسد و عرضه می‌دارد: یابن رسول الله! شما ما را چقدر دوست دارید و ما چقدر نزد شما ارزش داریم!؟

حضرت می‌فرماید: به قلب خود رجوع کن و ببین که خودت چقدر ما را دوست داری و ما نزد تو چقدر ارزش داریم. ما هم به همان اندازه تو را دوست داریم. شاید یکی از معانی «[من القلب إلى القلب سبیل](#)» همین باشد.

یکی از بزرگان خدمت حضرت ولی عصر مشرف می‌شود. حضرت به او می‌فرماید: سلام ما را به آیت الله کوهستانی برسانید. ایشان بسیار به یاد ما هستند.

ما استادی داشتیم که ایشان وقتی می‌خواست بنشینند، می‌گفت: «[بإذن الله و بإذن ولیه](#)». وقتی می‌خواست مطالعه کند، می‌گفت: «[بإذن الله و بإذن ولیه](#)».

ایشان وقتی می‌خواست غذا بخورد، آب بخورد، درس بخواند یا حرکت کند این کلمه را تکرار می‌کرد و اصلاً این کلمه از زبانش نمی‌افتاد.

خداوند عالم به بعضی افراد چنین توفیقاتی می‌دهد. وقتی این شخص به یاد خدا و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، خداوند متعال و حضرت بقیه الله الأعظم که؛

«وَيَمِّنُهُ زُرْقَ الْوَرَى وَ يُوْجِدُهُ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 423، باب دعاء العذيلة الكبير

که هرچه نعمت داریم از اهل بیت (علیهم السلام) و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، به همان اندازه که ما به یاد این بزرگواران هستیم آنها هم به همان اندازه به یاد ما هستند.

وقتی ما از آن بزرگواران غافل هستیم، آنها نیز از ما غافل هستند. طبق حکمت الهی که اگر یک اصل وجود ما و این که می‌گوییم:

«يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق، ج 2، ص 585، ح 20

اگر از او صرف نظر کنیم، بین الإثنينی است.

چه خوش بی مهربانی از دو سر بی

که یک سر مهربانی در دسر بی

بنابراین ما امروز که روز میلاد حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هست، این عبارت حضرت فاطمه زهرا را سرلوحه زندگی‌مان قرار بدهیم. اصلاً ما باید این عبارت را روی جلد کتاب یا میز کار یا در ورودی و در خروجی منزل بچسبانیم که حضرت فرمودند:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 67،

ص 249، ح 25

ان شاء الله امروز از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخواهیم که به عنوان عیدی به ما توفیق اخلاص در تمام کارهایمان را کرم کند.

پرسش و پاسخ:

پانزده دقیقه‌ای که از وقتمان باقی مانده است را به سؤالات دوستان اختصاص می‌دهیم. البته یکی از عزیزان سؤالی پرسیده بودند که بنده یک مرتبه چشمم به این سؤال افتاد.

پرسش 1:

می‌شود «فناء فی الله» که هفته پیش توضیح دادید را دوباره بفرمایید؟

پاسخ:

بنده کلمه «فناء فی الله» را به این تعبیر عرض نکردم. بعضی از عرفا عبارتی دارند. مخصوصاً کتاب «سیر و سلوک» اثر «مرحوم سید بحر العلوم» که آیت الله العظمی مرعشی نجفی هم به آن حاشیه زده است، این عبارت را آورده‌اند.

همچنین کتاب «لب اللباب» که جلسات اخلاقی خصوصی «مرحوم طباطبایی» صاحب «تفسیر المیزان» بود که برای تعداد اندکی همین بحثی که امروز ما داشتیم را مطرح کرده‌اند.

ایشان بیان می‌کنند که انسان تلاش می‌کند در عبادات و دیگر اعمال همه چیز برای خدا باشد. وقتی کار برای خدا شد، چشم برزخیه او باز می‌شود. آیه شریفه:

(فَأَيْنَمَا تُولُوْنَ فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ)

و به هر سو رو کنید، خدا آنجا است.

سوره بقره (2): آیه 115

طبق این آیه شریفه به هر طرف بنگرید، وجه الله را آنجا می‌بینید. همچنانکه «بابا طاهر» می‌گوید:

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

به هرجا بنگرم کوه و در و دشت

نشان از صنع زیبای تو بینم

همچنین شاعر می‌گوید:

مردان خدا پرده پندار دریدند

یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند

امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» در کلمات قصار خود دارند:

«ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله أو بعده أو معه»

من چیزی در جهان نمی‌بینم، مگر آنکه قبل و بعد و همراه او خدا را می‌بینم.

شرح أصول الكافي (صدرا)؛ نویسنده: صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تاریخ وفات مؤلف:
1050 ق، محقق / مصحح: خواجه‌جوی، محمد، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران،
1383 ش، ج 3، ص 432

خدا بیامرز استادمان مرحوم شیخ محمد شاه آبادی استاذزاده امام خمینی را؛ ما هشت سال خدمت ایشان بودیم، به طوری که هم در بحث‌های اخلاقی بسیار از محضرشان استفاده کردیم و هم در خصوص فلسفه و عرفان از ایشان استفاده کردیم.

ایشان خیلی به این عبارت تکیه می‌کرد و کمتر جلسه‌ای بود که این تعبیر امیرالمؤمنین را بیان نکند.

«ما رأيت شيئاً إلا و رأيت الله قبله أو بعده أو معه»

اگر چنین حالتی باشد، «فناء فی الله» می‌شود. حال «فناء فی الله» که ما تعبیر می‌کنیم به این مضمون است. بعضی از عرفا امثال «ابن عربی» و «صدرالدین قونوی» عبارت‌های نادرستی دارند که ما با آنها کار نداریم. ما هستیم و اهل بیت!

زمانی که خدمت آیت الله شاه آبادی بودیم وقتی مطالبی از عرفا نقل می‌کردند، من خدمتشان عرض می‌کردم که اگر در خصوص مطالبی که از عرفا نقل می‌کنید یک روایتی از ائمه اطهار داشته باشیم ولو ضعیف باشد، آن را می‌پذیریم.

اگر در این معنا روایاتی از اهل بیت نداشته باشیم، قطعاً نخواهیم پذیرفت. ما آن را در بقعه امکان می‌گذاریم تا روایتی پیدا کنیم.

«فناء فی الله» به این معناست که ما جهان را جلوه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت یا جهان را آئینه تمام نمای جلوه الهی ببینیم.

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) تعبیری از استادشان «محمد رضا قمشهای» نقل می‌کنند که خیلی تعبیر زیبایی است. تعبیر چنین است:

«فالحقیقة المحمّدية هی الّتی تجلّت فی صورة العالم»

حقیقت محمدیه هست که در عالم تجلی کرده است.

«والعالم من الذّرة إلى الذّرة ظهورها وتجلّیها»

مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية؛ مؤلف: حضرت امام خمینی، مقدمه از: استاد سید جلال الدین

آشتیانی، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ص 57

خداوند عالم در عالم تجلی کرده و عالم آئینه تمام نمای افعال و صفات حق هست و واسطه آن هم سلسله جلیله محمدیین (صلوات الله علیهم اجمعین) است.

اگر ما به این نتیجه رسیدیم، همه چیز عین ربط به خدا هست و عین حضور خداست. بنده مثال زدم همانند صور ذهنیه ما که عین ربط به ما و عین حضور ماست. اگر یک لحظه از صور ذهنی مان غفلت کنیم و صور ذهنی دیگری بیاید، آن صور ذهنی قبلی می‌رود.

اگر آنی کند نازی، فرو ریزند قالب‌ها!

بنابراین اگر ما به این مرحله رسیدیم، «فناء فی الله» است. همانطور که نظیر این عبارت را در ادعیه هم می‌خوانیم. دعای بسیار خوبی است.

نقل شده است کسانی که می‌خواهند توفیقاتی داشته باشند و به مقامات بالا یا به اسم اعظم الهی برسند، این دعا را زیاد بخوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ وَ لَا فِي الْأَرْضِ عَمْرَاتٌ وَ لَا فِي الشَّجَرِ وَرَقَاتٌ وَ لَا فِي الْأَجْسَامِ حَرَكَاتٌ وَ لَا فِي الْعُيُونِ لَحَظَاتٌ وَ لَا فِي النُّفُوسِ حَظَرَاتٌ إِلَّا وَ هِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَ لَكَ شَاهِدَاتٌ وَ عَلَيْكَ دَالَاتٌ وَ فِي مُلْكِكَ مُتَحَيِّرَاتٌ»

خدایا گردش آسمان‌ها و فرورفتگی زمین‌ها و برگ درختان و حرکت اجسام و هر نگاه چشم و هر جرقه ذهنی، به تو معرفت دارد، و بر تو شاهد است و نشانه‌های توست، و در حوزه فرمانروایی ات متحیر است.

دعاهای مستجاب؛ مدنی علیخان بن احمد؛ محقق و مترجم: محمدی شیخی قباد، ناشر: نشر زائر، قم -
ایران، 1389ش؛ ص 47

اگر ما به این مرحله رسیدیم به طوری که تمام جهان را جلوه تمام نمای الهی دیدیم و همه موجودات را در حال تسبیح خداوند عالم دیدیم، «فناء فی الله» است.

اگر لباسی که در تن ما هست و اعضای بدن ما و تمام سلول‌ها و ملکول‌ها و اتم‌های بدن ما همگی را تسبیح گوی خداوند دیدیم، «فناء فی الله» است.

پرسش 2:

آیا عرفان امروزی تقریباً ریشه در آموزه‌های «ابن عربی» دارد!؟

پاسخ:

خیر، چنین نیست. همه حرف‌های «ابن عربی» باطل نیست. ایشان هم حرف‌های خوب دارد و هم حرف‌های بد دارد. ما حرف‌های خوب «ابن عربی» را می‌گیریم و حرف‌های بد ایشان را کنار می‌گذاریم.

امروز عرفان شیعی هرچه دارد از امیرالمؤمنین گرفتند. اگر شما تمام فرق صوفیه را ببینید، وقتی شجره نامه خود را ذکر می‌کنند عاقبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌رسند. امیر عرفان و رئیس عرفان و دلیل عرفان امیرالمؤمنین است.

بنده عرض کردم «ابن عربی» یک سری اشتباهاتی دارد و ما کاری با آنها نداریم. اگر شما چند درصد حرف‌های باطل «ابن عربی» را کنار بگذارید، سایر حرف‌های ایشان خوب است. البته بنده خدمت همه عزیزان عرض کنم که به ایشان هیچ ارادتی ندارم.

عرفایی همانند «ملاً حسینقلی همدانی» که یکی از عرفای بزرگ شیعه است و به مقامات عالیہ رسید و «مرحوم قاضی بزرگ» و «مرحوم بهاری» و «مرحوم سید بحرالعلوم» به مقامات عالیہ رسیدند و بنده خودم به این بزرگان ارادت دارم.

بنده تلاش می‌کنم هر از گاهی شرح حال این بزرگان را مرور کنم. این بزرگان هیچ ارتباطی به «ابن عربی» ندارند، بلکه نسبت به «ابن عربی» هم بغض و کینه دارند. این‌ها ارزشمند هستند.

پرسش 3:

برخی افراد شیعه بودن «ابن عربی» را مطرح می‌کنند. این قضیه چطور رد می‌شود؟

پاسخ:

خداوند آیت الله حسن زاده آملی را حفظ کند. «اشارات بوعلی» که یکی از کتب فلسفه پیچیده است و پیچیدگی آن همانند «کفایه در اصول» است. «اسفار» در نزد «اشارات» همانند «شرح لمعه» در برابر «کفایه» است.

ما سال 1363 یا 1364 «اشارات» را خدمت آیت الله حسن زاده آملی خواندیم. ایشان خیلی اصرار می‌کردند که «فخر الدین رازی» شیعه است، اما بنده یک در هزارم هم احتمال شیعه بودن «فخر الدین رازی» را نمی‌دهم.

ایشان استدلالی برای حقانیت خلیفه اول و دوم داشته است و دفاعی از شیخین داشته است که شاید در تاریخ کمتر کسی از علمای اهل سنت این چنین دفاع کرده و استدلال کرده باشد.

ایشان حدود بیست و هفت دلیل از آیه غار برای افضلیت خلیفه اول ذکر می‌کند، حال آنکه بزرگان دیگر همانند «سعدالدین تفتازانی» و «قاضی عبدالجبار معتزلی» که از علما و بنیانگذاران کلام اهل سنت هستند، هیچکدام همانند ایشان به این شدت دفاع نکردند.

پرسش 4:

برای روش کلامی شما در بحث‌های شیعه و سنی ما باید به تاریخ مسلط باشیم.

پاسخ:

برادر بزرگوام! تاریخ چهره‌های گوناگونی دارد. ما در مباحث شیعه و سنی آن بخشی از تاریخ به درد ما می‌خورد که مرتبط به امر ولایت باشد. قسمت تاریخ و فتوحات و امثال آن همگی مورد نیاز نیستند.

اگر «تاریخ طبری» را از ابتدا تا انتها مطالعه کنید، می‌بینید به اندازه دویست صفحه این کتاب در بحث‌های شیعه و سنی به درد ما می‌خورد و مابقی به درد ما نمی‌خورد.

بنابراین در جلسات گذشته هم عرض کردم اگر کسی بخواهد در بحث‌های شیعه و سنی ورود داشته باشد، باید از جای راحتی شروع کند تا به جاهای بالا برسد.

ما در بحث‌های ادبیات از نقطه‌ای شروع می‌کنیم تا به مرحله بالا می‌رسیم. به عنوان مثال در علم اصول از جایی شروع می‌کنیم تا به کفایه و درس خارج می‌رسیم.

بهترین کتاب برای شروع کردن کتاب «المراجعات» اثر «مرحوم شرف الدین (رضوان الله تعالی علیه)» است. تقریباً می‌توان گفت این کتاب الفبای مسائل شیعه و سنی را بسیار محترمانه و مؤدبانه و مستدل مطرح کرده است.

این کتاب، کتاب بسیار خوبی است. اگر دوستان بخواهند خوب در این زمینه مطالعه داشته باشند، باید از همین جا شروع کنند و بهترین کتاب است.

ما نود درصد عمرمان را در این قسمت گذاشتیم. بنده بهتر از کتاب «المراجعات» ندیدم. شاید کتابی بهتر از این کتاب باشد، اما من ندیدم.

آنچه خودم به آن رسیدم و به دوستان هم همیشه توصیه می‌کنم، کتاب «معالم المدرستین» اثر «علامه عسکری» است که کتاب خوبی است.

البته این کتاب را در حد هفتاد و پنج درصد قبول دارم. ایشان در بعضی جاها مطالبی از بعضی از کتب نقل می‌کند، به طوری که به حافظه خود اعتماد فرمودند و اینطور اشتباهات در آثار این بزرگوار هست.

بنده بعد از کتاب «المراجعات» به دوستان توصیه می‌کنم کتاب «معالم المدرستین» را ببینند.

همچنین آیت الله میلانی کتابی تحت عنوان «محاضرات فی الاعتقادات» دارند که در دو جلد به چاپ رسیده است و کتاب بسیار خوبی در بحث امامت و حرف‌هایی است که ما می‌خواهیم برای اثبات حقانیت اهل بیت داشته باشیم.

بعد از آن به کتاب‌هایی همانند «الغدیر» و «احقاق الحق» اثر «مرحوم قاضی نورالله شوشتری» امثال ذلک می‌رسیم که قدری مفصل است و بحث جدایی است.

همچنین اگر کسی بخواهد قدری با شبهات روز آشنا شود، کتاب سه جلدی بنده به نام «نقد اصول مذهب الشیعة الإثنی عشریة» را مطالعه کند. ما این کتاب را روی سایت هم گذاشتیم.

با توجه به اینکه قوی‌ترین و جدیدترین شبهات شیعه توسط «ناصرالدین قفاری» یکی از اساتید دانشگاه محمد بن سعود ریاض بود، کتاب ما در جواب ایشان است و بحث‌های ما هم قدری بحث‌های تخصصی است و همانند «المراجعات» عمومی نیست.

شاید بعضی از قسمت‌های این کتاب برای بعضی از طلبه‌هایی که هنوز مراحل مقدماتی را طی نکرده باشند، بعضی از شبهات و بعضی از پاسخ‌ها خوب جا نیفتد.

اگر کسی بخواهد روی شبهات خوب کار کند و عمده شبهات را داشته باشد، این کتاب سه جلدی به نام «نقد أصول مذهب الشیعة الإثنی عشریة» که روی سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» هم موجود است را مطالعه کند.

پرسش 5:

سؤال دیگر در رابطه با کتاب «الکامل» اثر «شیخ بهایی» مطلبی پرسیده‌اند.

پاسخ:

این کتاب، کتاب اخلاقی خوبی است و مطالبی دارد. ایشان هم ملتزم نیست که هرچه ایشان در اینجا آورده است، همگی مطالب صددرصد صحیح است.

این کتاب هم مطالب خوب دارد و هم مطالب ضعیف دارد، اما در مجموع کتاب «الکامل» اثر «شیخ بهایی» کتاب خوبی است.

پرسش 6:

چرا «ابن عربی» را قبول ندارید؟

پاسخ:

بنده عرض کردم که به ایشان ارادت ندارم. ایشان حرف‌هایی نسبت به شیعه و ائمه اطهار (علیهم السلام) دارد که با منطق اهلیت سازگار نیست. به عنوان مثال ایشان در یک جا آورده است که من شیعیان را به صورت خوک در عالم مکاشفه دیدم.

کسی که این تعابیر را نسبت به شیعه دارد، ما نمی‌توانیم نسبت به دیگر فرمایشات ایشان اعتماد داشته باشیم. اگر دوستان این سؤال خود را در جلسه بعدی تکرار کنند، بنده چند مورد از بیانات «ابن عربی» را مطرح می‌کنم.

معلوم نیست که ایشان روی چه اصلی این مطالب را بیان کرده است. شاید ایشان به حرف‌هایی که زده معتقد بوده یا اینکه از طرف حکومت در تقیه بوده و مجبور بوده این حرف‌ها را علیه شیعه مطرح کند.

در این خصوص باید مفصل بحث کرد. ان شاء الله اگر فرصتی باقی بود در جلسه بعد دوستان ابتدای جلسه این سؤال را مطرح کنند، بنده مباحث انحرافی که در کلمات «ابن عربی» هست را خدمت عزیزان عرض خواهم کرد.

ان شاء الله خداوند بر توفیقات همه عزیزان بیفزاید و این روز را هم بر همه مبارک گرداند و همه را مشمول
عنايات ویژه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) قرار بدهد. از همه عزیزان التماس دعا دارم و تقاضا می‌کنم ما
را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته